

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

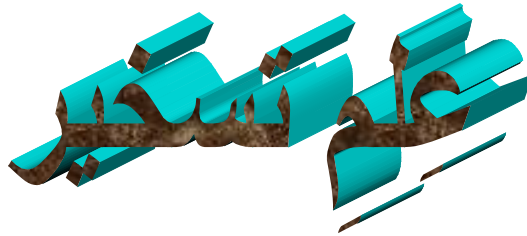
Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

پنجم جولای 2012

شهر اسن - المان



این چه رازیست ، که از سِرِّ نِهان میدانی  
آنچه را می نتوان گفت زبان میدانی  
بسی نادیده و نشنیده و ناگفته سخن  
وا که ننوشته و ناخوانده عیان میدانی  
غم و اندوهی که در سینه نهانست مرا  
همه را یک به یکی ، معجزه سان میدانی  
هر زمانیکه مرا لشکر غم میخواند  
عجب اینجاست که ناکرده بیان میدانی  
هر که سویت نگرد ، ملکِ دلش ، تاراجست  
علمِ تسخیرِ دلِ پیر و جوان میدانی  
چشمِ جادوی تو ، استاد و پروفیسرِ عشق

درسِ دل دادن و ، دل بُردنْگان میدانی  
شکنی سنگرِ بیداد ، به یک واژه نغز  
فَنّ رزمیدنِ این عصر و زمان میدانی  
جهلانی که ز عقل و خرد و منطق ، دور  
مُشتِ تأدیب به پوز و به دهان میدانی  
نرمی لحن تو چون خنجر و تلوارِ دودم  
ادب و تربیتِ بی ادبان میدانی  
می ندانم که چرا ؟ مهرِ تو در دل دارم  
شاید احساس مرا هر دم و آن میدانی  
خوب دانم به سرت نیست ، بجز سودایم  
که به بیداری و هم ، خوابِ گران میدانی  
به خداوند که داری به دلت مهرِ مرا  
گر نداری ز چه ، ترس از دگران میدانی  
نامِ «نعمت» به تو بیم است ، که تحریر کنی  
نقدِ بیگانه و از خود ، به گمان میدانی